

## چالش‌های موجود در زراعت برنج کشور و راهکارهای آن

الهیار فلاح - استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات برنج - آمل

چکیده:

اهمیت توجه به زراعت برنج امر بدیهی است چون برنج بعد از گندم غذای اصلی مردم کشور ماست. سطح زیر کشت برنج در کشور در حدود ۶۰۰ هزار هکتار می باشد که در ده سال گذشته بین ۵۵۰ تا ۶۵۰ هزار هکتار در نوسان بوده است. در سواحل دریای مازندران، حدود ۴۶۰ هزار هکتار زمین شالیزاری وجود دارد. بنظر می رسد زراعت برنج در ایران با چالش‌های متعددی مواجه است، که می توان به تخریب منابع طبیعی، عدم عمران و توسعه روستاها، عدم مشارکت کشاورزان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، وجود نظام‌های سنتی، بالابودن ریسک تولید در زراعت برنج و عدم توسعه صنایع جانبی و تسریع در عملیات تسطیح اراضی شالیزاری اشاره نمود. در این مقاله بطور اجمالی موارد گفته شده مورد بحث قرار می‌گیرد.

مقدمه :

من وجدماء و قراباً ثم افتقر فابعده الله

"کسی که آب و خاک داشته باشد و نیازمند باشد خداوند او را از رحمت خود دور خواهد نمود"

بدیهی است توجه به زراعت برنج در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برنج غذای اصلی مردم کشور ماست و هر خانوار ایرانی در روز حداقل یک وعده غذایی برنج مصرف می‌کند. روند رشد جمعیت در کشور و نیاز جامعه به برنج ما را بر آن می‌دارد برای سال ۱۴۱۰ هجری شمسی که جمعیت کشور در حدود ۱۰۰ میلیون نفر خواهد شد برنامه ریزی کرد و برای رسیدن به هدف باید چالش‌های پیش رو را شناسایی کرد.

عوامل و منابع مؤثر در تولید یا زراعت محصول کشاورزی شامل، نیروی انسانی، زمین، سرمایه و منابع طبیعی است. تخریب منابع طبیعی، عدم عمران و توسعه روستاها، عدم مشارکت کشاورزان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، وجود نظام‌های سنتی، بالابودن ریسک تولید در زراعت برنج و عدم توسعه صنایع جانبی و تسریع در عملیات تسطیح اراضی شالیزاری از جمله عواملی هستند که روند افزایش و ثبات تولید برنج در کشور را دچار دستخوش نوسانات می‌کند. در این مقاله بطور اجمالی موارد گفته شده مورد بحث قرار می‌گیرد.

## تخریب منابع :

محققان و اندیشمندان عقیده دارند عوامل و منابع مؤثر در تولید یا زراعت محصول کشاورزی شامل نیروی انسانی، زمین، سرمایه و منابع طبیعی است. بنظر می‌رسد نبود استراتژی مشخص و معین در زمینه‌های فوق، وضعیت موجود را دچار چالش و حتی بحران می‌کند. نیروی انسانی: یکی از منابع مهم توسعه در هر کشوری، نیروی انسانی آن کشور می‌باشد. فقر و غنای هر جامعه ناشی از کیفیت نیروی انسانی آن است. شأن و منزلت انسان مسئله مهمی است که بنظر می‌رسد مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران جامعه قرار گیرد. در فرآیند توسعه زراعت برنج در کشور، محور اصلی نیروی انسانی است، چون ارتقاء در هر زمینه مدیون منابع انسانی آگاه و باتجربه و فعال می‌باشد. اندیشه و تفکر مهمترین عامل تعالی و پیشرفت جامعه انسانی است. کشاورزی در واژه عام و زراعت برنج در واژه خاص زمانی بهبود می‌یابد که نیروی انسانی در سطوح مختلف از متخصصان، کارشناسان، مروجان تا کارگر مزرعه منزلت واقعی خود را باز یابند. بویژه کشاورزان که سنگربان تولید و امنیت غذایی کشور هستند به شغل خود افتخار کنند. چنانچه در جامعه‌ای، کشاورزان از لحاظ اجتماعی در پایین‌ترین مرتبه قرار بگیرند و مردم نگاه تحقیرآمیز به آنها داشته باشند از کشاورزی و زراعت برنج استقبال نمی‌شود.

زمین: بدیهی است زراعت بدون زمین مقدور نیست. هرچند وجود کشت آبی یا هیدروپونیک در دنیا وجود دارد ولی در سطح نیاز جهانی نیست و اگر روزی دنیا به سمت کشت هیدروپونیک برود با اینحال نیاز به حداقل زمین می‌باشد. در حال حاضر سطح زیر کشت برنج در شمال کشور در حدود ۴۶۰ هزار هکتار می‌باشد که تغییر کاربری و تبدیل اراضی شالیزاری به باغات کیوی و آپارتمان و ویلا معضل جدی در منطقه شمال کشور محسوب می‌شود در نتیجه زراعت برنج را در شمال کشور دستخوش بحران می‌کند. وجود شالیزار در منطقه شمال علاوه بر ارزش افزوده در بخش کشاورزی و تأمین غذا از منابع داخلی، باعث بهبود صنعت <sup>توریسم</sup> توریسم در شمال می‌شود. تخریب جنگل نه تنها باعث تغییر اکوسیستم کشاورزی شمال می‌شود و امکان افزایش محصول برنج را کاهش می‌دهد، بلکه در دراز مدت باعث تغییر منابع طبیعی و کاهش جاذبه‌های توریستی شمال کشور می‌شود و از طرف دیگر سبب جاری شدن سیل، فرسایش خاک، تخریب زراعت های منطقه می‌شود. بنابراین توجه به حفظ محیط و پایداری شرایط فعلی منطقه شمال کشور، ما را در حفظ و توسعه زراعت برنج یاری می‌کند. لذا ضرورت داشتن استراتژی بلندمدت در این زمینه امر بدیهی است.

سرمایه: یکی از منابع مهم در زراعت سرمایه است. بدیهی است بدون سرمایه هیچ فردی قادر به زراعت نمی‌باشد. شکی نیست که سرمایه‌گذاری یکی از عوامل توسعه در زراعت محصولات

کشاورزی است. در سال ۱۳۷۷ سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها در کشور، در حدود ۶-۵/۷ درصد بوده است. بدیهی است با چنین روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی امکان بالفعل کردن پتانسیل‌های بالقوه موجود در این بخش به نحو مطلوب وجود نخواهد داشت، زراعت برنج در کشور نیز از این قاعده مستثنی نیست. اهدای وام‌های بلند مدت با بهره بانکی کم به شالیکاران جهت تسطیح اراضی و خرید ادوات کشاورزی و نهاده‌های کشاورزی یکی از راهکاری مثبت دولت در این زمینه است و خواهد بود.

#### عدم عمران و توسعه روستاها :

جرج اکسین معتقد است توسعه کشاورزی وابستگی زیادی به توسعه و عمران روستائی دارد. ایشان بیان داشتند اجزاء تشکیل‌دهنده این سیستم شامل، تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، عرضه‌کنندگان نهاده‌های کشاورزی، بازار محصولات کشاورزی، محققان و کارشناسان بخش کشاورزی، مدیران جامعه و آموزش‌دهندگان هستند که موفقیت سیستم به نقش تک‌تک اجزاء آن برمی‌گردد و برآیند همکاری آنها سبب توسعه و عمران روستاهاست. بدیهی است عدم هماهنگی و همکاری بین اجزاء سبب عدم توسعه روستا می‌شود که بدنبال آن نه تنها کشاورزی پیشرفت نمی‌کند بلکه در درازمدت به سمت اضلال پیش می‌رود.

#### عدم مشارکت کشاورزان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری :

در وضعیت موجود، کشاورزان احساس می‌کنند که به آنان بی‌توجهی شده و در اثر این برداشت منفی، انگیزه چندانی جهت مشارکت و همکاری در رفع چالش‌ها از خود نشان نمی‌دهند. چنین روندی ناشی از عملکرد مدیران اجرایی بوده است که تصمیمات گرفته شده آنها به کشاورزان ختم می‌شود بدون آنکه زارعین در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نقش داشته باشند. علیرغم شعار "کشاورزی محور توسعه و استقلال کشور" تولیدکنندگان نوعی حس بدبینی نشان می‌دهند که خود ناشی از عدم وجود اهمیت تولید و تولیدکنندگان از دید مسئولان سیاسی و اجرایی کشور است و هنوز کشاورزی را در حد بیل و کلنگ و باران نگاه می‌کنند. پیامدهای تلخ فوق ناشی از عدم ارتباط منطقی بین مسئولان اجرایی رده اول، کارشناسان اجرایی با طبقه تحتانی هرم انسانی بخش کشاورزی است. در صورت ادامه این روند، پیامدهای بسیار ناخوشایندی در مواقع بروز بحران‌های همچون خشکسالی، سیل و غیره را بدنبال خواهد داشت.

#### وجود نظام‌های سنتی:

پیشرفت در گرو کسب آگاهی علمی و تجربه مهارت‌های فنی در بکارگیری تکنولوژی جدید است. حدود نیمی از کشاورزان در شمال کشور، کم‌سواد یا بی‌سواد می‌باشند. نتیجه چنین امری، ادامه روش‌های سنتی و نیمه سنتی تولید در مناطق روستائی است. بدون شک عدم ارتقاء

سطح سواد و دانش فنی جوامع روستائی موجبات افزایش فاصله جوامع روستائی از جوامع شهری در کشور و تولید کنندگان داخلی در مقایسه با تولید کنندگان خارجی می شود. در نتیجه استفاده بهینه از منابع موجود از جمله زمین و سایر نهاده های کشاورزی صورت نمی گیرد. گذر از نظام های سنتی به نظام مدرن کشاورزی مستلزم فرهنگ سازی، بستر سازی و سرمایه گذاری است. بالا بودن ریسک تولید در زراعت برنج:

در اقتصاد کشور ایران، بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش ها از ریسک بیشتری برخوردار است. بنابراین کشاورزان در هنگام تصمیم گیری جهت کشت محصولی، بادامنه وسیعی از ریسک مواجه هستند. ریسک تولید، یکی از عوامل تأثیرگذار در تصمیم گیری کشاورز است. چون زراعت برنج در فضای باز صورت می گیرد تحت تأثیر عوامل متعدد اقلیمی، آفات و بیماری است. از جمله عوامل اقلیمی نظیر خشکسالی، سیل شدید، سرمای ناگهانی، طوفان و غیره سبب افزایش ریسک تولید محصول برنج می شود. ریسک قیمت که شامل قیمت محصول و نهاده های کشاورزی است مسئله بعدی است که در امر تصمیم گیری زارع در انتخاب نوع محصول و رقم کشت برنج موثر است. بدیهی است قیمت محصول نباید دچار نوسانات شدید باشد. نوسانات قیمت ناشی از تغییرات قیمت در دراز مدت، تغییر درآمد مصرف کننده، تغییرات دوره ای تولید و عرضه، تغییرات نامنظم جوی و تغییر در سیاست دولت ها ایجاد می شود.

قیمت نهاده های کشاورزی نیز ریسک ناشی از نهاده هاست که طبیعتاً بر روی درآمد خالص زارع تأثیرگذار است. ناکافی بودن بذور گواهی شده در زمان کاشت و افزایش قیمت بذر ریسک نهاده های کشاورزی را افزایش می دهد. توزیع نامناسب نهاده های کشاورزی و عدم نظارت دقیق بر آن نیز مسئله ای است که باید به آن توجه داشت.

هنگامی که کشاورز جهت تأمین مالی فعالیت های زراعی خود وام دریافت می کند که نرخ بهره آن بالاست با ریسک مالی مواجه می شود و چنانچه قیمت تضمینی در خرید محصول زراعی وجود نداشته باشد منجر به عدم توانائی کشاورز در باز پرداخت وام ها می گردد که این امر در دراز مدت سبب تغییر کاربری زمین و شغل می شود. بدیهی است دولت باید پیش بینی این امر را داشته باشد. فرضاً دولت ژاپن برای حمایت از برنج کاران قیمت برنج را تا سه برابر قیمت جهانی در داخل کشور بالا می برد تا رغبت به کاشت برنج را در بین کشاورزان ژاپنی حفظ کند. عدم توسعه صنایع جانبی:

نقش اقتصادی یک کارخانه، افزودن ارزش محصولات خام، دادن سود به سرمایه گذاران، اشتغال زایی جهت مدیران، کارگران و مزرعه داران، فراهم نمودن زمینه فعالیت برای تولید کنندگان و سازندگان ترکیبات مصرفی، مواد بسته بندی و ماشین آلات می باشد. علیرغم اینکه شمال کشور

یکی از مناطق عمده کشاورزی و زراعت برنج محسوب می شود. متأسفانه بدلیل نبود صنایع جانبی کافی در استان های شمالی زراعت برنج پویایی لازم را ندارد. صنایع جانبی مرتبط با زراعت برنج در شمال کشور توسعه نیافته است. کارخانه های شالیکوبی فرسوده بوده و باعث کاهش کیفیت فیزیکی دانه برنج می شود. صنایع جانبی نظیر کارخانه های تولید ماشین آلات کشاورزی بویژه ماشین های مربوط به کاشت، داشت و برداشت برنج وجود ندارد. در کشور ما به دلیل عدم سرمایه گذاری در این بخش نمی توان از امکانات بالقوه موجود در بخش کشاورزی جهت رشد صنایع جانبی محصولات کشاورزی بهره جست. بنابراین لازم است صنایع تبدیلی مرتبط به زراعت برنج در کشور، بویژه استانهای شمال کشور لحاظ شود.

#### عدم تسریع در عملیات تسطیح اراضی شالیزاری:

ریزی

تسطیح اراضی شالیزارها در صورت تسریع صورت گیرد و کشاورزان را در برنامه ریزی و طراحی مشارکت داده تا نتیجه بهتری عاید شود. بنظر می رسد دولت بایستی بودجه بیشتری به این امر اختصاص دهد تا حداکثر ظرف ده سال کلیه اراضی شالیزاری تسطیح شده تا از چاه و کانال آبیاری مناسب برخوردار شوند. در ضمن ایجاد سیستم زهکشی پیوسته در هر منطقه ضروری است و نیاز است طراحان یک حوضه آبریز را لحاظ کنند. ایجاد کانال های بتونی درجه دو و سه نیز در شالیزارها ضروری است.

توجه به موارد گفته شده در این مقاله نیاز به همت و عزم ملی دارد تا با برنامه ریزی و مداوم در اجرا بتوان با چالش های موجود مقابله کرد.

#### منابع مورد استفاده:

- ۱- جابری، ا. مفهوم ریسک در بیمه محصولات کشاورزی. فصل نامه بیمه مرکزی ایران - شماره ۱۴.
- ۲- طهماسبی سروستانی، ز. ۱۳۷۹. توانمندی ها و چالش های تحقیق و توسعه. علوم زراعی ایران.
- ۳- مظاهری و همکاران (۱۳۷۶). گزارش نهائی طرح آینده غذا. گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.